

همایش ملی
توسعه و تحول
در فرهنگ و هنر

[جلد اول]



همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر

تهران

معاونت آموزشی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
۳۱ تیر و ۱ مرداد ماه ۱۳۸۷

رئیس همایش :

جناب آقای دکتر حسن بینیان

دبیر همایش :

جناب آقای دکتر مجید قدسی

هیئت داوران همایش :

جناب آقای دکتر محمد داودی،

جناب آقای دکتر روح الله عالمی

جناب آقای دکتر علیرضا قبادی

جناب آقای دکتر ابوالفضل گزازی

جناب آقای دکتر محمدجواد مهدوی نژاد

جناب آقای مهذبین مهدی نوبند

جناب آقای دکتر ناظمی

جناب آقای دکتر مجید قدسی

معاون اجرایی همایش:

زنده نیا سپید عباس جلالی

مسئول کمیته مالی و پشتیبانی:

سرکار خانم آرصدخت الهی

اعضای هیئت علمی پرسر، نقد و ویرایش

علمی :

جناب آقای دکتر مجید قدسی

جناب آقای دکتر محمد جواد مهدوی نژاد

استادان اسیر و سرمد و استادان اسیر و سرمد

معاونت آموزشی حوزه هنری



همایش ملی توسعه و تحول
در فرهنگ و هنر - جلد اول

چاپ و صحافی: نشر کت است (سپاسی شهر)

چاپ اول: ۱۳۸۱

شماره: ۱۱۰۰ نسخه

شابک (ژورنال): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

شابک (کتاب): ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳-۰۱۷۳-۵

پیام دکتر مجید قدمی دبیر همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ
و هنر / ۹

سخنرانی دکتر حداد عادل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس
شورای اسلامی / ۱۱

سخنرانی دکتر بنیانیان در مراسم افتتاحیه همایش توسعه و تحول
در فرهنگ: عوامل اصلی در کمبود تقاضا برای هنر متعهد / ۲۳

مقایسه تطبیقی کارایی نهادهای آموزش هنری سنتی و مدرن در
عرصه تحولات فرهنگی / ۳۷
دکتر محمدرضا آزاده‌فر

نقش و جایگاه خانواده در فرایند توسعه فرهنگی جامعه دینی / ۵۷
دکتر حمیدرضا آقامحمدیان شعریاف و مرتضی روستائی

تبیینی از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران / ۱۰۱
دکتر کاوه احمدی علی‌آبادی

بررسی کاربردی مدیریت کیفیت در تحول فرهنگی و مهندسی
فرهنگی کشور / ۱۶۵
سید بدرالدین احمدی



دکتر حمیدرضا آقا محمدیان شعر باف
استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه
فردوسی مشهد

برخی سوابق اجرایی و آموزشی :

- عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
- دارای مدرک دکتری روانشناسی
- عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد و درجه علمی
دانشگاهی استاد
- حوزه تدریس: روانشناسی رشد کودک و نوجوان و خانواده
- همچنین دارای چندین مقاله چاپ شده در حوزه روانشناسی در مجلات علمی -
پژوهشی داخلی و خارجی .

نقش و جایگاه خانواده در فرایند توسعه ی فرهنگی جامعه دینی

-دکتر حمیدرضا آقا محمدیان شریف

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

-مرضی روستانی

کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی

m_rostae_1307@yahoo.com

چکیده:

خانواده به عنوان نهادی اجتماعی در بستر جامعه تولید می شود و از دیدگاه جامعه شناسان نقش عمده ای را در تربیت نیروی فعال جامعه، بارور کردن تواناییها و سلامت روان افراد بر عهده دارد. بدون شک هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند، چنانکه از خانواده سالم برخوردار نباشد و باز هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰).

خانواده اولین و مهمترین نهاد در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی است که افراد بشری در آن تعلیم می یابند و با شیوه های زندگی جمعی و روش تفاهم با دیگران آشنا می گردند و بستر فعلیت یافتن استعدادها و تواناییهای انسانی، که بخش عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت پذیری، تحمل و بردباری در برابر دیگران است، در آن شکل می گیرد. از دیگر سو بسیاری از ناکامی ها و شکست ها نیز که به انحراف و ناسازگاری بعدی منجر می شود، ریشه در زندگی خانوادگی دارند. (نجفی، ۱۳۷۵).

از جمله عوامل موثر در پیوندهای پایدار میان همسران، هماهنگی و همسویی دیدگاههای اجتماعی و باورهای فرهنگی آنان است. پایدارترین عوامل همبستگی و

مهارت‌های مسأله‌گشایی با یکدیگر تفاوت دارند. بر این اساس بین زنان متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در عامل‌های بی‌ثبوتی و شیوه‌ی تقریب، تفاوت معناداری مشاهده گردید و در عامل‌های کنترل حل مسأله، اخلاقیات، اعتماد در حل مسأله و شیوه‌ی اجتناب میان آنها تفاوت معنادار مشاهده نشد.

همچنین مردان متقاضی طلاق با مردان غیرمتقاضی در عوامل بی‌ثبوتی، کنترل حل مسأله و اجتناب تفاوت نشان دادند. و در عوامل اخلاقیات و شیوه‌ی تقریب میان این دو گروه تفاوت معنادار مشاهده نگردید.

این پژوهش همچنین نشان داد که مردان غیرمتقاضی در مقایسه با زنان غیرمتقاضی طلاق، بیشتر به توانایی خود در روبه‌رو شدن با موفقیت‌های مسأله‌زا اعتماد دارند و زنان این گروه نسبت به مردان، تمایل بیشتر به رو شدن از مشکلات به جای مقابله‌ی رو در رو با آنها دارند. در سایر عوامل میان زنان و مردان غیرمتقاضی تفاوت معنادار مشاهده نشد.

با توجه به نقش خانواده سالم در توسعه‌ی فرهنگی کشور، به نظر می‌رسد آموزش شیوه‌های کارآمد مسأله‌گشایی و مقابله سازگارانه با استرس‌ها و تغییرات زندگی به زوجین، کمک مؤثری به روزرویی با تشدد می‌باشد. و از آن‌جا که یکی از شیوه‌های حل مسأله، زنان متقاضی طلاق، مردان متقاضی طلاق، زنان غیرمتقاضی، مردان غیرمتقاضی.

پیدا در میان زوج‌های جوان، همگانی در صراط مستقیم و موفق‌تری در راه نيل به فلاح و رسنگاری و عزیزبانی در باورهای اجتماعی و فرهنگی است. (افروز، ۱۳۷۹).

از دیگر سو، تفاوت در زمینه‌های فرهنگی، یکی از عوامل زمینه‌ساز در طلاق‌ها می‌باشد. (نوابی نژاد، ۱۳۷۹)، که بالا رفتن میزان آن در جوامع صنعتی غرب سبب شده است که این مسأله مورد توجه گروه زیادی از کارشناسان قرار گیرد و حتی در مواردی آن رایج عنوان نشسته از میان رفتن خانواده در سال‌های آینده تلقی کرده‌اند. (محسنی، ۱۳۷۹)

از همین رو، نقش عوامل فرهنگی در یک واحد خانوادگی سالم، در خود توجه است. کارکرد خانواده سالم مبتنی بر آگاهی از انتظارات و تصمیم‌گیری‌های ضروری و نیز شناسایی راه‌حلهای مختلف و میزان درجه‌آرزایی‌های واقعیت‌ناهن از هزینه‌ها و پیامد انتخاب‌هاست. (نوابی نژاد، ۱۳۷۹)

با توجه به جایگاه خانواده در ادیان آسمانی و تأکید بر حمایت از آن از فروایشی، پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی مهارت‌های مسأله‌گشایی زنان و مردان متقاضی و غیرمتقاضی طلاق صورت گرفته است.

برای دستیابی به این هدف، تعداد ۴۰ نفر زن متقاضی طلاق و ۴۰ مرد متقاضی از میان افراد مراجعه کننده به دادگاه خانواده شهرستان مشهد در سال ۱۳۸۲ از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به همین میزان زنان و مردان غیرمتقاضی که در زمان اجرای تحقیق با همسرانشان زندگی می‌کردند، به همین شیوه انتخاب و با استفاده از مقیاس شیوه‌ی حل مسأله‌گشایی و لانگ که روایی و اعتبار آن توسط مطهری و قننگ (۱۳۸۰) بدست آمده است، مورد سنجش قرار گرفتند. روایی پرسشنامه از طریق روایی ملاک ۷۶٪ و اعتبار آن از طریق آزمون مجدد ۷۸٪ گزارش شده است. داده‌ها از طریق مقایسه‌ی دو میانگین مستقل مورد بررسی قرار گرفته و در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. براساس یافته‌های پژوهش، از زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در

تینا عامل حفظ هویت و شخصیت ملت، فرهنگ و هنر آنها می باشد.

نندی، ۱۳۸۵

از دیگر سو، توسعه فرهنگی از جمله لایه های توسعه است که مورد اجماع جهانی است. اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی که از طرف یونسکو معرفی شده است عبارتند از:

۱. ارتقاء همکاریهای فرهنگی بین المللی

۲. تقویت مشارکت فرهنگی

۳. حفظ میراث فرهنگی

۴. تقویت هویت فرهنگی (اسماعیلی، ۱۳۸۵)

اجماع جهانی در خصوص توسعه فرهنگی، سبب گردیده است که این مقوله به شکل دیگری در کشورهای اسلامی نگریسته شود.

بدین سان، مقوله توسعه در کشورهای اسلامی همواره موضوعی چالش برانگیز در دهه های اخیر بوده و از سوی اندیشمندان مختلف، موضوع گوناگونی برای آن اتخاذ گردیده است. نقش فرهنگ در دستیابی به توسعه امری انکارناپذیر بوده و در رویکردهای جدید به مقوله توسعه در دو دهه ی اخیر، فرهنگ جایگاه ویژه ای یافته است. (نگاهداری، ۱۳۸۵)

از سوی دیگر، خانواده یکی از نهادهای بنیادین جامعه ی انسانی است، که همواره به اشکال گوناگونی در طول تاریخ وجود داشته است. این نهاد با کارکردها و تشبیهای مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می کند. چه انسان در دوران خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرا می گیرد و همواره با آن سر و کار دارد. بنابراین، مهمترین تجربیات انسانی که اساسی ترین عوامل شکل دهنده ی شخصیت محسوب می شود، در درون خانواده نمود پیدا می کند و آموزش زبان و آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور

همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر (۱۱) ۶۳

مقدمه:

ایجاد و دانسته ی مفهومی که به عنوان فرهنگ می شناسیم، آن همه عمیق و وسیع است که مشکل بیان آن را در قالب تعریفی مشخص و محدود گنجانید.

با مراجعه به نوشته ها و گفته های صاحب نظران، دهها و شاید صدها توصیف و تعریف از فرهنگ بیان یافت که از ارزشها و اعتقادات و باورها گرفته تا منش و خصایل و هنجارها و از ادبیات و هنر و معماری گرفته تا آیین ها و افسانه ها و اسطوره ها را در بر می گیرد. (فردروز و همکاران، ۱۳۸۰)

بطور کلی از نقطه نظر جامعه شناسی، فرهنگ یک مفهوم عام است که به تمام آنچه های انسانی در طول حیات اجتماعی اطلاق می شود. به عبارت دیگر، فرهنگ یک پدیده ی اجتماعی است که از سویی در اثر تلاش انسانها برای پاسخگویی به نیازهای گوناگونشان پدید می آید و از سوی دیگر رانمای فکر و عمل انسانها برای رفع نیازهای گوناگونشان است. پدیده ی فرهنگ چون هر پدیده ی دیگر در جهان هستی یک کیت نظام یافته یا سیستم است. این کیت با مجموعه ی نظام یافته، چیزی بالاتر از مجموعه اجزاء برآکنده ای که در یک جا جمع شده اند، معنی دارد. در دیدگاه سیستم ها، پیش از آنکه جمع اجزاء یا عملکرد تک تک عناصر مهم و مؤثر باشند، فرایند و تأثیری که از کیفیت پیوند و رابطه ی متقابل این اجزاء با هم و با کل سیستم حاصل می شود، اهمیت دارد. (همان منبع)

بی شک، بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد. فرهنگ به منزله ی هویت یک جامعه و تعیین کننده ی اندیشه و رفتار اعضای آن جامعه است. (رشیدپور، ۱۳۸۵). به دیگر سخن، زندگی و ادامه ی حیات هر ملتی، تنها در گرو تولید ملل و زاد و ولد نیست، بلکه در حفظ هویت و شخصیت ملی آنهاست.

۶۳ همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر (۱۱)

یک پیمان با تکیه بر حقوق و قوانین و بر مبنای مودت و رحمت استوار می گردد.

(توانی، بزاده، ۱۳۷۹)

از این روه استواری بیجان خانواده یکی از پیش شرطهای موفقیت و پیشرفت جوامع محسوب می شود، چرا که با توجه به تعالیم انسان ساز اسلام، خانواده به منزله ی یکی از ارکان اصلی رفح نیازهای اجتماعی، تربیتی و فرهنگی انسان محسوب می شود و سلامت روانی و جسمانی و عاطفی فرد از یک سو و تأمین اجتماعی فرد از طریق سازمانی نظیر خانواده، تضمین کننده ی سلامت روانی و اجتماعی جامعه نیز خواهد بود.

(آقامحمدیان، ۱۳۸۵)

از این روه توجه جدی به استحکام خانواد از ضروریات اجتناب ناپذیر و معیاری برای سنجش تمدن پانگهی مادی و معنوی ملت هاست.

حفظ استحکام در زندگی زناشویی همسران، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که عبارتند از:

۱- عوامل مذهبی:

یکی از ریزه گیهای که در امر انتخاب همسر و دوام زندگی مشترک نقشی بسیار مهم و تعیین کننده دارد، مساله کفو بودن دو همسر است. هر قدر بین این دو عنصر هماهنگی و همسگری و تناسب بیشتری وجود داشته باشد، این ترکیب استوارتر و مستحکم تر خواهد بود و هر چه این تناسب و هماهنگی کم تر باشد، زندگی سست تر و ناپایدارتر خواهد شد. در واقع کفو بودن دو همسر یعنی تناسبی، هماهنگی، همسانی شخصی و هم طرازی بین دختر و پسر. (مظاهری، ۱۳۷۵)

به گمان "برگس" و "لاکی" در هر لحظه، بخت در راستای ازدواج همسان گزینانه عمل می کند تا نامهمان گزینانه. (ساروخانی، ۱۳۷۰)

انکار و اندیشه ها و همچنین جهت دهی به شخصیت انسان هم از خانواده شروع می شود. به همین جهت خانواده تأثیرات عمده و عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد داشت.

سراسر تاریخ گواه تأثیرات خانواده در اقتصاد، سیاست، علم و حتی تحولات اجتماعی بوده است. (پایان و مطهری، ۱۳۷۸)

در پیش اسلام می، خانواده نقطه ی آغاز است؛ مرکز پیدایش و گسترش طرز فکرها، باورها، تقابل ها، رحمت ها، رافت ها و سازگاریهاست.

باور ما این است که هر گونه رشد یا انحطاط فردی یا ملی از خانواده نشأت گرفته است. به همین دلیل توصیه قرآن کریم به ما این است که خود و خانواده خود را دریابید.^۱

(فانسی، ۱۳۸۰)

خانواده چنان مورد توجه است که خداوند در وقت بیفت پیغمبر به او دستور داد: نخست قوم و عشیره ی نزدیک خود را دعوت کن و بپرسان. (کمالی، ۱۳۶۹)

خانواده همچون کارگاهی است که در آن خوبیهای اصل انسانی از محیط، رافت، رقت، رعایت، تعاون، عفو، انضام، ایثار و دیگر صفات انسانی هم می روید و هم نمو پیدا می کند و این همه صفات که از نیازمندیهای یک جامعه اصیل و مرفه انسانی است در انبساط می گیرد. نموی که طبیعی و خالص است و از تشنه دهایی بی اثر خشکی و قانونی بی نیاز است. خانواده در اسلام به عنوان بنیادی مقدس و مستحکم و نهادی اساسی و اجتماعی نیز محسوب می شود. خانواده به وسیله ی ازدواج به صورت

۱- ابد، پد، تحول - روح اللامه - پیامبر اکرم (ص).

۲- فو، العسکرم و امیکم تا آ - آیه ی ۶ سوره نهم

"ماروین" نیز تأکید می‌کند که "تعداد ازدواج‌هایی که در آمریکا در درون گروه‌های اجتماعی انجام گرفته است، ۸۷ بار بیشتر از ازدواج‌هایی است که بطور تصادفی انجام شده‌اند. نتایج پژوهش‌های برگس و کوپرل نیز در این باره نشان می‌دهد که هر قدر زن و شوهر از نظر اجتماعی به یکدیگر نزدیک تر باشند، سازگاری آنان پس از ازدواج آسان‌تر خواهد بود." (سازوچانی، ۱۳۷۰)

از سوی دیگر، عوامل فرهنگی در زندگی زناشویی نقش مهمی دارند. بسیاری از ناسازگاری‌ها و اختلافات خانوادگی زاینده‌ی این عوامل است. (حسینی پورچندی، ۱۳۸۱)

به بیان دیگر، از مهمترین انواع همسانی دو زوج، که در موفقیت زندگی مشترک نقشی اساسی ایفا می‌کند، همسانی فرهنگی آنان است که گونه‌های مختلف اشتراک در زبان، دین، ملیت، نظام ارزشی، پیشه‌ها و باورها را شامل می‌شود. بدون شک، اشتراک فرهنگی به معنی شرط لازم در همزیستی و دفعه‌ی اینسانها و محوری ترین نقطه‌ی توافق و همبستگی آنهاست و این بدلیل تأثیری است که در جلب محبت مقابل، کاهش سوء تفاهمها و حل آسانتر مشکلات احتمالی دارد. (بستان، ۱۳۸۳)

از دیگر سو، هر خانواده فرهنگی ویژه‌ای دارد که به اموری مانند نگرش خصوصی خانواده در رفتارها، سنت‌ها و شیوه‌ی روابط با دیگران مربوط می‌شود. (مسگری، ۱۳۸۰)

زن و شوهر در دو خانواده جدا رشد یافته‌اند که تفاوت‌های فرهنگی، علاقه‌ها و سلیقه‌های گوناگون دارند. در نتیجه در روند سازگاری زوجین باید برخی ویژگی‌ها و سلیقه‌ها را پذیرفت و برخی را کنار گذاشت. عدم توجه به این امر، اختلاف و ناسازگاری را در پی دارد. (همان منبع) به عبارت دیگر، فقدان زمینه‌ی مشترک فرهنگی، امکان برقراری ارتباط مثبت را دشوار می‌سازد و افراد را به صورت جزیره‌های معزول و مستقل از یکدیگر درمی‌آورد. شواهد فراوانی گویای آن است که تفاوت

بر این اساس، موارد همسانی و هماهنگی بین دختر و پسر عبارتند از:

همانی دینی و ایمانی، اخلاقی، فرهنگی و فکری، روحی و روانی، اجتماعی- اقتصادی، خانوادگی، علمی، ظاهری و جسمی و جنسی.

در مسأله‌ی کفویت تأکید اساسی اسلام بر مسأله‌ی ایمان و اعتقاد است. بنابراین، در انتخاب همسر مسأله کفویت را مطرح می‌کنند تا کاروان خانوادگی از گرمی و عاطفه‌ی مذهبی برخوردار باشد. (آقا محمدیان، ۱۳۸۵)

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که تعهدات مذهبی و موفقیت‌های زناشویی با هم همبستگی فراوان دارند. وقتی زن و شوهر به دین و مذهب واحدی متکی باشند، از سنت‌ها و آداب و رسوم سبب‌ی بی‌وفی خواهند کرد و این امر در پایداری و دوام زندگی زناشویی آنها تأثیر فراوانی خواهد داشت. (کلارک وارن، ۱۳۷۷)

۲- عوامل فرهنگی - اجتماعی:

از جمله عوامل مؤثر در پیوندهای پایدار میان زن و شوهر، هماهنگی و همسویی دیدگاه‌های اجتماعی و باورهای فرهنگی آنان است. به یقین، آنان که از نظر اعتقادات و پیشه‌های عمیق دینی و رفتارهای متعالی مذهبی، هم‌سوئی کامل دارند، در نگرشها و برداشت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز از اللبته و زبان مشترک برخوردار خواهند بود. تبادل باورها و دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی میان داوطلبان ازدواج و زوج‌های جوان جاذبه‌هایی بین آن دو را تقویت کرد. و هم‌دلی‌ها را افزون‌تر می‌نماید. (افروز، ۱۳۷۹)

در زمینه‌ی اهمیت همسان همسری، از دیدگاه اجتماعی، والر در گفتاری به نام "زناشویی درون‌گرومی" تأکید می‌کند که مهمترین واقعیه در امر همسرگزینی، گزینش آن به سوی وصلت‌های اجتماعاً همسان است و این بدان معنی است که ما خواهان ازدواج در طبقه‌ی خویش هستیم.

نتایج پژوهش نیک نژادی و مشفق (۱۳۸۵) که به بررسی عمل ازدواجهای ناموفق زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره و آموزش بهداشت روان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پرداخته بود، نشان داد که عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و فردی در ازواجهای ناموفق موثر است.

۳- عوامل اقتصادی:

یکی از مسائل مهم و اساسی که در استحکام خانوادۀ نقش مهمی دارد، موضوع رعایت اصول اقتصادی است. به عبارت دیگر، یکی از مسائل اساسی که باید در محیط خانوادگی کاملاً مورد توجه قرار گیرد، سیاست گذاری اقتصادی است.

در این مرحله، زن و مرد هر دو مسئول می باشند و هر دو باید در این زمینه با یکدیگر همکاری داشته باشند. در واقع رعایت حقوق مالی زن و شوهر توسط یکدیگر بدین معناست که زن و شوهر هر دو موظف هستند حدود و حمله شرعی را در ارتباط با مسائل مالی نسبت به یکدیگر رعایت کنند و هر یک از زن و مرد، بدون اجازه و اطلاع دیگری در امور مالی همسرش دخل و تصرف ننمایند و موجبات اختلاف را فراهم نکنند. (رشیدپور، ۱۳۷۶)

از دیگر سو، در دیدگاه اسلام، خدمات رسانی متقابل زن و شوهر از حیث معیشتی به عنوان یکی از کارکردهای خانوادۀ مفروض گرفته شده است. اسلام زنان شایسته را زانی می داند که در رفع نیازهای معیشتی خانوادۀ به شوهران خود، به ویژه با انجام دادن کارهای خانگی، یاری برسانند. و با یادشهای معنوی فراوانی که برای این امر مقرر کرده، زنان را به خدمات خانگی تشویق نموده است؛ در عین حال از نظر حقوقی، زنان را از انجام دادن کار خانگی معاف و شوهران را حتی در شرایطی نیازی مالی زنان، به پرداخت نفقه آنان ملزم کرده است و به این ترتیب، مردان عملاً در خدمت زنان قرار گرفته اند. (بستان، ۱۳۸۳)

زن و شوهر از حیث پیش زمینه های دینی، فقهی، طبقاتی و با حتی جغرافیایی می تواند باعث یادگیری انتظارات گوناگون در مورد مسائلی مانند ماهیت و محتوای نقشهای زناشویی گردد و همین امر می تواند، زمینه ی بروز ناسازگاری و به تبع آن نزول خانوادۀ را فراهم سازد. در حالی که تشابه فرهنگی آن دو، منبهای برای تعریف همتا، علائق و درک های مشترک، فراوان به دست می دهد و از این رو، به ثبات و استحکام خانوادۀ یاری می رساند.

تاثیر همسانی فرهنگی بر استحکام زندگی زناشویی تا حدود زیادی به درجه ی پایداری هر یک از دو زوج، به عقاید و ارزشهای فرهنگی باخوود فرهنگی ذیربط منوط است. (بستان، ۱۳۸۳)

پژوهشهای مختلفی نیز همسو با نتایج بدست آمده بر نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در زندگی، تأکید دارند:

پژوهش احمدی و فحیحی آشتیانی (۱۳۸۵) که به بررسی رابطه ی سازگاری زناشویی با آسیب پذیری فرهنگی پرداخته بوده، نشان داد که سازگاری زناشویی با کاهش میزان آسیب پذیری فرهنگی پیشتر می شود و این رابطه احتمالاً دو جانبه است. یعنی ممکن است افزایش آسیب پذیری فرهنگی نیز موجب کاهش سازگاری زناشویی در بین زوجین شود. بنابراین، یک طرف عدم تفاهم، ناسازگاری و کاهش ارتباطات، افزایش تعارض بین زن و شوهر قرار دارد که بسیار مهم است و در طرف دیگر، کاهش همتا، ضعف ارزشهای فرهنگی، انحرافات اخلاقی و تاثیر پذیری از تعارض فرهنگی قرار دارد که این دو، با هم رابطه ی همبستگی دارند و کاهش یکی موجب افزایش دیگری می شود.

بر اساس نتایج پژوهش اصغری و رفیعی نیای (۱۳۸۵)، که به بررسی عوامل پیش بینی کننده ازواج ناموفق از دیدگاه دانشجویان متأهل، پرداخته بود، تفاوت های فرهنگی، قومی و آداب و رسوم، اولویت اول یک ازدواج ناموفق بود.

۴- عامل عاطفی:

برخورداری زن و شوهر از سلامت عاطفی از جمله اموری است که می تواند در پایداری و دوام زندگی مشترک نقش مهمی را ایفا کند؛ چرا که سلامت هیجانی موجب سلامت در رفتار و رعایت اعتدال در برخورد است. روابط انسانی زوجین تابع شرایط بروز عواطف است که یکی انسان سالم قادر است طیفی از هیجانات را که از بی تفاوتی تا شادی و وجد است به موقع به اجرا گذارد. (آقا محمدیان، ۱۳۸۵)

۵- عامل سیاسی:

از جمله عوامل موثر در تحکیم خانواده می توان به نقش دولت در حمایت از خانواده های آسیب پذیر و ترویج فرهنگ و نظام دینی خانواده اشاره کرد. این موضوع تا آنجا برای برنامه نویسان برنامه چهارم توسعه اهمیت داشته است که بندل از ماده ۱۰۶ را به آن اختصاص داده اند. در این بند می خوانیم:

سازماندهی تبلیغات رسانه ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقاء هویت اسلامی - ایرانی، تقویت نهاد خانواده بر اساس تعالیم میراث عمومی جامعه ی ایرانی. (برنامه، ۱۳۸۳، ماده ۱۰۶ بند ۱)
در واقع، حمایت دولت از خانواده های بی سرپرست و افتاد آسیب پذیر بر دو مبنا استوار می باشد.

۱- مبنای دینی

۲- مبنای اجتماعی

واحد مبنای نخست، سخن امیرمؤمنان به مالک اشتر است، آن گاه که به او می گویند:

امروزه با توجه به تحولات تمدنی و موقعیتی که در زندگی زن و سرود پدید آمده است، زن و شوهر هر یک به فراتر از حال خود در تأمین درآمد بوده بندی، دخل و خرج و انجام وظایف خانه داری و تربیت فرزند مشارکت دارند. و این تحول به عنوان وسیله ی ارتباط متقابل و تحکیم پیوندهای زناشویی و پویایی در زندگی تلقی می شود. (بولینی نژاد، ۱۳۷۹)

در تحقیقی که توسطه "زنگی" و "ماری" (۱۹۹۵) با عنوان کار و اثرات اقتصاد بر استحکام زندگی زناشویی انجام گرفت این نتیجه بدست آمد که میزان تفاوت زنان و مردان، از نظر شرایط اقتصادی و درآمد، بر پایداری زندگی زناشویی اثری نمی گذارد، ولی اگر همسرانی که شغلی در ارتباط با کار شوهرانشان دارند، احتمال بیشتری برای جدا شدن دارند.

اما آنچه مسلم است اینکه وضعیت شغلی همسران یکی از عوامل اساسی و بنیادی در سازگاری روابط زناشویی است.

نتایج جدیدترین پژوهشها حاکی از آن است که هویت پای شغلی و خانوادگی، کم و بیش با خود، نگرانیها و دغدغه هایی را به همراه دارد که این نگرانیهای ناشی از تعارض های میان شغلی و خانواده باعث نامتازگاری در روابط زناشویی و آسیب پذیری ازدواج می شود. به بیان دیگر، هر چه همسازی میان مقتضیات شغلی و خانوادگی برای مردان و زنان افزایش یابد، رابطه ی زناشویی آنها پایداری خواهد شد. (کاظمی حقیقی، ۱۳۷۷)

در این زمینه تحقیقی که توسط باری (۱۹۹۵) انجام گرفت که طی این تحقیق آشکار شد که دو متغیر خانوادگی (برداشت های مربوط به تساوی تقسیم کار در خانه و برداشت هایی در ارتباط با حمایت اجتماعی از ازدواج)، به منزله ی تعدیل کننده های مهم، از رابطه ی منفی میان تعارض شغل، خانواده و سازش پانفگی برای مردان و زنان به شمار می آید.

فصل بنیادین، تا مناسبات زناشویی آنها از زرفا و بلوغ بیشتری برخوردار گردد، به مهارتی ارزشمند مجهز شده اند. (کلارک و وارن، ۱۳۷۷)

از این رو توانمندسازی خانوارده در قالب آموزش مهارت‌های حل مسأله، راهبردی مفید در پیشگیری از اختلال‌های خانوادگی در آموزه‌های اسلام است.

مسأله گشایی به عنوان یک روش مداخله موثر، کاربردهای زیادی یافته است و برای طیف وسیعی از مشکلات عادی زندگی و اختلالات رفتاری به کار گرفته می‌شود. (گات، میوزس والیس، ۱۹۹۷).

از این شیوه برای مداخله در بحران و نیز مشکلاتی از قبیل فقدان مسائل زناشویی، افسردگی، اضطراب انواع اعتیادها، مشکلات تحصیلی و مسائل دیگر از این قبیل استفاده می‌شود. (واتسون و تارپ، ۱۹۹۷، کانت و همکاران، ۱۹۹۷، اوریلف و همکاران، ۱۹۹۲، بانک استاین و همکاران، ۱۹۹۲، هاگا و همکاران، ۱۹۹۵، اسپنس و همکاران، ۲۰۰۳، گهرازی، ۱۳۸۲، دلورا، ۱۳۸۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد، افرادی که از توانایی حل مسأله برخوردارند بهتر می‌توانند با انواع استرس و مشکلات زندگی مقابله کنند و آنهایی که حل مسأله را یاد می‌گیرند احتمالاً بطور موثرتری با استرس مقابله می‌کنند. (دزوریلا و پیچ، ۱۹۹۵) به بیان دیگر، داشتن قدرت حل مسأله بیشتر با مشکلات روان شناختی و اجتماعی کمتر همراه است. (پوپ، مک‌کال و کرای، ۱۹۸۸)

از سوی دیگر با افزایش مهارت‌های مسأله گشایی می‌توانیم این احتمال را که محرک تنش را بنیاد بر ما غلبه کند کم کنیم. این فرایند اگر به نحو موثرتری به کار گرفته شود، می‌تواند توان فرد را برای مقابله سودمند با انواع وسیعی از موفقیت‌های استرس را افزایش دهد. (دزوریلا و پیچ، ۱۹۹۵)

مفهوم حل مسأله که فرایند مقابله ای آگاهانه، منطقی، پرتلاش و هدفمند است توسط دزوریلا و تورتور، (۱۹۸۲) چنین تعریف شده است: «فرایند شناختی - رفتاری

از خانواده‌های بی سرپرست و بیجان خردسال و بی‌ان سالخورده پیروسته، مراقبت کن، که ایشان راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، که این مسئولیت سنگینی بر دوش زمامداران است هر چند که حق همه اش سنگین است. (رضی، ۱۳۷۶، ۱۱۷۷)

و اما راهبرد اجتماعی، نقش کفالت و کالتی است که دولت در ارتباط با مسائل عمومی مردم و شهروندان دارد. در این زمینه نیز قانون برنامه‌ی چهارم توسعه در قیل ماده‌ی ۹۵ می‌نویسد:

تعمین خط فقر و تعیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایت‌های اجتماعی، برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی، برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی و پیگیری و ثبت مستمر آثار برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بر وضعیت خط فقر، جمعیت زیر خط فقر، همچنین میزان درآمد سه دهک پایین درآمدی از طریق افزایش قدرت خرید آنان، دولت موظف است کلیه‌ی خانوارهای زیر خط فقر مطلق را حداقلی‌تر تا پایان سال دوم برنامه به صورت کامل توسط دستگاهها و نهادهای متولی نظام تأمین اجتماعی شناسایی و تحت پوشش قرار دهد. (برنامه ۱۳۸۳، ماده‌ی ۹۵، بند ج)

۵- عوامل شناختی:

رشد هوشی خصوصاً برخورداری از تفکر انتزاعی از جمله خصوصیات است که در استحکام زندگی زناشویی حائز اهمیت است، چرا که در زندگی زناشویی تأثیر شگرفی دارد. یعنی توانایی و قابلیت اندیشیدن و قدرت تئیر صحیح از قاطع. به عبارت دیگر، بقا، و دوام خانواده و زندگی مشترک ناشی از توانایی حل مشکلات توسط زن و شوهر است. اگر چه وجود اختلافات و مشکلات در رابطه‌ی زناشویی ناگزیر است، اما اگر زن و مرد بدانند که چگونه اختلافات خود را حل و

مسئله و سلامت روان شناختی دانشجویان پرداخته بود نشان می دهد که بین شیوه های حل مسئله و سلامت روان شناختی رابطه معنی داری وجود دارد. در این پژوهش ترتیب بولانه های حل مسئله در تعیین سلامت روان شناختی با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام عبارت بود از: اعتماد در حل مسئله، در ماندگی، خلاقیت، مهارت‌گری حل مسئله، سبک اجتناب، سبک روی آورد، همچنین در ادامه با استفاده از آزمون مشخص شد دو جنس فقط در سبک اجتناب با همدیگر تفاوت معنی داری دارند و در دیگر شیوه های حل مسئله تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده نشد.

پژوهش دیگر که توسط محمدی (۱۳۸۳)، در بررسی رابطه سبک های حل مسئله با سلامت عمومی دانشجویان انجام گرفت نتایج زیر را در پی داشت:

۱. شیوه های حل مسئله در ماندگی، خلاقیت و مهارت‌گری به ترتیب بهترین پیش بینی کننده های تازسا کنش وردی اجتماعی به حساب می آید.
 ۲. شیوه های حل مسئله در ماندگی و خلاقیت، مهمترین پیش بینی کننده انفرادی هستند.
 ۳. مهارت‌گری در حل مسئله پیش بینی کننده نشانه های جسمانی بوده است.
 ۴. در ماندگی، اعتماد در حل مسئله و خلاقیت سلامت عمومی را تبیین می کنند. نتایج تحقیق نشان داده که سبک های حل مسئله نقش مهمی در تندرستی و روان درستی ایفا می کنند.
- از دیگر سو مهارت‌های مسئله گشایی برای یک ازدواج موفق تعیین کننده هستند. (نیک، ۱۹۹۹).

به بیان بهتر مسأله گشایی به نحو مؤثری در کاهش تعارضات زناشویی کاربرد دارد. به عنوان مثال، در تعدادی از تحقیقات اولیه، ارتباط مسأله گشایی خانوادگی با

خود رهمون که فرد با استفاده از آن تلاش می کند راههای مقابله مؤثر با اطمینانی با مشکلات زندگی روزمره را بیابد. (همان منبع).

حل مسئله راهی برای حل مجدد یک موضوع ویژه، مشکل و یا یک تعارض است. مسئله گشایی ممکن است در یک جهت غیر رسمی در طول فعالیت روزانه یک خانواده اتفاق بیفتد و یا ممکن است در طول یک جلسه خانوادگی هدایت شود. مسئله گشایی خانواده تمام خانواده را در بر می گیرد و به کارگیری آن در موضوعاتی که همه اعضای خانواده را درگیر می سازد مفیدتر است. (ازرنیچ و همکاران، ۲۰۰۱).

از این رو راهبردهای مسأله گشایی وقتی مفید است که حوزه ای از عدم توافق وجود دارد و یا مشکل پیچیده ای که راه حل آن به تعدادی از اعضای خانواده نیاز دارد. (هاوارد، ۲۰۰۲).

این مفهوم آن گونه که معمولاً مورد نظر است شامل مجموعه ای ساختند از تعاملات که برای حل زمینه های تعارض آمیز خاص موجود در میان همسران طرح شده است. (جاکوبسن و مارگولین، ۱۹۷۹، به نقل از برنشتاین و برنشتاین، ترجمه سهرابی و بیرشک، ۱۳۷۷). به عبارت دیگر مسئله گشایی تعارضات خانوادگی را حل می کند که در صورت عدم حل و فصل این تعارضات، ممکن است از کیفیت زندگی خانوادگی کاسته شود. (ازرنیچ، ۲۰۰۱). از این رو به کارگیری مسئله گشایی مؤثر، کیفیت ارتباط را در میان اعضای خانواده بهبود می بخشد، احساسات مراقبت و گرمی را افزایش می دهد و ابزار مؤثری برای غنی سازی زندگی خانوادگی و به عنوان عاملی در جهت کاهش ریسک ناراضی عاطفی و تعارضات زناشویی، عمل می کند. (کابنجر و همکاران، ۱۹۹۹).

تحقیقات انجام گرفته در خصوص کارآمدی مسئله گشایی حاکی از اهمیت بسیار آن در تأمین سلامت روان و پیشگیری از آسیب های روانی اجتماعی است. به عنوان مثال، پژوهش بابایور شیرالدین (۱۳۸۲)، که به بررسی رابطه بین شیوه های حل

هدف از پژوهش حاضر مقایسه شیوه های حل مسأله در زنان و مردان متقاضی و غیر متقاضی طلاق بود. بدین ترتیب اهداف تحقیق به صورت زیر مطرح شد:

۱. مقایسه شیوه های حل مسأله زنان متقاضی و غیر متقاضی طلاق
 ۲. مقایسه شیوه های حل مسأله مردان متقاضی و غیر متقاضی طلاق
 ۳. مقایسه شیوه های حل مسأله زنان و مردان غیر متقاضی طلاق
- برای دستیابی به اهداف تحقیق سئوالات پژوهش به صورت زیر مطرح گردید:

۱. آیا شیوه های حل مسأله زنان متقاضی و غیر متقاضی طلاق با یکدیگر تفاوت دارد؟
۲. آیا شیوه های حل مسأله مردان متقاضی و غیر متقاضی طلاق با یکدیگر تفاوت دارد؟
۳. آیا شیوه های حل مسأله زنان و مردان غیر متقاضی طلاق با یکدیگر تفاوت دارد؟

مسئله تحقیقی پژوهش حاضر این است که در سنجش به یک هدف هدف آمیز در کاربرد منابع آمیزه می کند.

تفاوت‌های زنانی مطرح شده‌ای که در طلاق شرکت دارند، مورد توجه قرار گرفته است. (ویجویچ، ۱۹۹۹).

فورکس (۲۰۰۰) نیز با ارزیابی رفتار مسأله گشایی برسوسندنی آن در حل مشکل، شرایط منحصر به فرد، موفقیت های مبرخ و در مطالعه در طلاق تأکید کرد. همسو با این نتایج، بررسی بهاری (۱۳۸۳)، که به مقایسه عملکرد خانوادگی زوجهای در حال طلاق از جایی به سازمان پزشکی قانونی و زوج های غیر مطلقه پرداخته بود نشان داد که با استفاده از بررسی عملکرد خانوادگی ۳۴ درصد احتمال وقوع طلاق قابل پیش بینی است.

از سوی دیگر، مشکلات و مباحث مطرح شده در جلسات خانواده درمانی نشان می دهد که در موارد بسیاری اختلاف ناشی از تفاوت حل مسأله زوجین است. (بیراسی، ۱۳۷۸) از این رو آموزش مهارتهای مسأله گشایی می تواند در درمان ناهماهنگی زناشویی نقش مؤثری داشته باشد. در تأیید این مطلب، آموزش همسران در یادگیری مهارتهای کارآمد مسأله گشایی اهمیت می یابد. در این زمینه به عنوان مثال، ویست و همکاران، (۱۹۷۵) به نقل از برنشتاین و برنشتاین، ترجمه سهرابی و بیرشک، (۱۳۷۷)، اهمیت آموزش همسران را در یادگیری مهارتهای کارآمد مسأله گشایی به تفصیل بیان دادند. این پژوهشگران دریافتند همسران برنشتاین به گونه ای چشمگیر رفتارهای مشکل گشایی منفی بیشتر و مثبت کمتری را در مقایسه با همسران غیر برنشتاین بروز می دهند. به علاوه بسیاری از پژوهشها، آموزش حل مشکل را به نحو موفق در درمان ناهماهنگی های زناشویی به کار برده اند. (برنشتاین، آنتون و دیگران، ۱۹۸۱، برنشتاین ف پایچ و دیگران، ۱۹۸۱، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، چاکوسین ۱۹۸۱، ۱۹۷۸، ۱۹۷۷، وین و دیگران، ۱۹۷۳، به نقل از برنشتاین و برنشتاین، ترجمه سهرابی و بیرشک، ۱۳۷۷)

در مجموع پژوهشهای فوق حمایت تجربی قابل توجهی را بر اثربندی مسأله گشایی در درمان ناهماهنگی های زناشویی، فراهم می سازد.

نمونه در دسترس گروهی از اعضای جامعه هستند که انتخاب آنها فقط به خاطر سهولت در نمونه گیری بوده است. (دلاور، ۱۳۸۱).

در پژوهش حاضر، نظر به حساسیت موضوع، پژوهشگر با مراجعه به دادگاه خانواده مشهد و پس از بیان هدف پژوهش، پرسشنامه را در اختیار زنان و مردان متقاضی طلاق که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، قرار می داد. به عبارت بهتر، انتخاب آزمودنیها فقط بر اساس سهولت در نمونه گیری بوده است.

حجم نمونه

برای پژوهشهای از نوع آزمایشی و علی مقابله ای، حجم نمونه حداقل ۳۰ نفر در هر گروه توصیه می شود. (همان منبع) با توجه به این نکته، ۴۰ زن متقاضی طلاق و ۴۰ مرد متقاضی طلاق و به همین میزان زنان و مردان غیر متقاضی که با همسران خود زندگی می کردند از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

پرسشنامه پژوهش، ابزار پژوهش مقیاس شیوه های حل مسأله می باشد. این مقیاس توسط کسبلی و لالنگ در طی دو مطالعه ساخت شد و (۶) عامل را می سنجد. (محمدی، ۱۳۷۷) این عوامل عبارتند از:

- ۱- بی باوری. ۲- کنترل حل مسأله. شیوه خلاقیت. اعتماد در حل مسأله. شیوه اجتناب شیوه تقرب این مقیاس شامل ۲۴ سوال است و هر یک از عوامل در برگیرنده (۶) آیتم هستند. عامل بی باوری بیانگر بی باوری کلی فرد در موقعیت های مسأله زاست. حل مسأله بعد کنترل بیرونی - درونی را در موقعیت های مسأله زا منعکس می کند. شیوه خلاقیت نشان دهنده برنامه ریزی و در نظر گرفتن راه حل های متنوع می باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و نوع علی - مقابله ای است. تحقیق توصیفی

شامل مجموعه روشهایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم گیری باشد. (سرمند و همکاران، ۱۳۷۹).

تحقیق توصیفی شامل جمع آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به

سوالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مطالعه، می شود. یک مطالعه توصیفی چگونگی وضع موجود را تعیین و گزارش می کند. (حاجی، ۱۳۷۸).

تحقیقی - مقابله ای گذشته نگر بوده و سعی بر آن دارد از معلول به علت احتمالی بی ببرد. همچنین در این تحقیق علت و معلول (متغیر مستقل و وابسته) پس از وقوع مورد بررسی قرار می گیرد. (سرمند و همکاران، ۱۳۷۹).

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد بررسی شامل مردان و زنان متقاضی و غیر متقاضی طلاق می شد. زنان و مردان متقاضی طلاق افراد ۵۵-۱۶ سال می شد که با تنظیم دادخواست و ارائه آن به دادگاه خانواده مشهد در سال ۱۳۸۲، تقاضای رسیده گی داشتند و یکی با هر دو متقاضی خانگی بودند. همچنین مردان و زنان غیر متقاضی افراد ۶۱-۱۶ سال بودند که در زمان اجرای پژوهش با همسران خود زندگی می کردند و با گروه متقاضی طلاق همسان شده اند.

روش انتخاب نمونه

گاهی اوقات، انتخاب نمونه به صورت تصادفی مشکل و حتی در برخی مواقع غیر ممکن است در چنین شرایطی پژوهشگر از نمونه گیری در دسترس استفاده می کند.

شیوه اجرا:

در اجرای پژوهش، پژوهشگر پس از معرفی خود و بیان هدف پژوهش و اطمینان بخشی به فرد پیرامون موضوع مانده اطلاعات در صورت ابراز تمایل آزمودنی، پرسشنامه در اختیار وی قرار می گرفت.

روش نمونه گذاری:

سئوالات پرسشنامه به صورت صفر و یک نمره گذاری می شد. اگر پاسخ آزمودنی بله بود نمره یک می گرفت و در غیر این صورت نمره صفر. آیتمها 5-8 بصورت معکوس نمره گذاری می شود.

روایی و اعتبار پرسشنامه:

روایی و اعتبار این آزمون توسط مظاهری و قننگار (۱۳۸۰) مورد بررسی قرار گرفت. و به ترتیب روانی آزمون از طریق روانی سلاکی (۰/۷۶) و اعتبار آن از طریق آزمون-آزمون مجدد (پس از یک هفته) (۰/۸۹) گزارش شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

داده های این پژوهش به کمک نرم افزار SPSS از طریق مقایسه دو میانگین مستقل مورد بررسی قرار گرفت. این داده ها در سطح ۰/۰۵ مقدار می باشد.

گروه	میانگین	انحراف معیار
گروه اول	۰/۸۶	۰/۰۳۳
گروه دوم	۰/۶۶	۰/۰۳۳

اعتماد در حل مسأله بیابانگر اعتماد در توانایی فرد برای حل مشکلات است. شیوه

اجتناب تمایل در جهت رد شدن از مشکلات به جای مقابله با آنها را ممکن می سازد. شیوه تقرب، نگرش مثبت نسبت به مشکلات و تمایل به مقابله رو در رو با آنها را نشان می دهد. (کسید و لاگک، ۱۹۹۶، به نقل از محمدی، ۱۳۷۷).

ضریب آلفای کرونباخ و میانگین همبستگی درونی آیتمها برای زیر

مقایسه های شیوه حل مسأله در دو مطالعه کسید و لاگک در جدول زیر آمده است.

مقایسه ۲	مقایسه ۱	
	۰/۸۶	۰/۳۳
بی باوری	۰/۶۶	۰/۶۶
کنترل حل مسأله	۰/۶۶	۰/۳۳
شیوه خلافت	۰/۵۷	۰/۲۵
اعتماد در حل مسأله	۰/۷۱	۰/۳۹
شیوه اجتناب	۰/۵۲	۰/۲۱
شیوه تقرب	۰/۶۵	۰/۳۲

ضریب آلفا بالای ۵۰ هستند که توانایی استدلال می کند که برای هدفهای تحقیق

کافی است به علاوه میانگین همبستگی درونی آیتمها نشان می دهد که مجموعه های همگن هستند و میتوان استدلال نمود که سنجشهای پایایی هستند. (کسیدی و لاگک، ۱۹۹۶).

جدول شماره (۳) میانگین و انحراف استاندارد زبان و مردان غیر متقاضی طلاق در مقیاس شیوه های حل مسئله

گروهها	میانگین	انحراف استاندارد	نمره ^۴	درجات آزادی	سطح معنی داری
مردان غیر متقاضی	۱۴۸۷	۳۵۶	-۰.۳۷۶	۷۸	۰.۷۸
زبان غیر متقاضی	۱۵.۰۲	۲.۲۸	-۰.۲۷۶	۷۸	۰.۷۸

با توجه به اعداد بدست آمده در قسمت درجه معنی داری و میانگین نمرات گروهها هیچ تفاوت معنی داری در مقیاس شیوه های حل مسئله مشاهده نگردید. اما گروهها در زیر مقیاسهای شیوه های حل مسئله با یکدیگر تفاوت نشان دادند. هر گاه عدد مذکور در سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر باشد معنادار و اگر از آن بالاتر باشد معناداری رد می شود.

نتایج :

به منظور پاسخگویی به سئوالات پژوهش پس از بررسی ویژگیهای جمعیت شناختی آزمودنی از شاخصهای گرایش مرکزی میانگین و انحراف استاندارد استفاده می کنیم و سپس نتایج در جدولی عرضه خواهد شد و مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

جدول شماره (۱) میانگین و انحراف استاندارد زبان متقاضی و غیر متقاضی طلاق در مقیاس شیوه های حل مسئله

گروهها	میانگین	انحراف استاندارد	نمره ^۴	درجات آزادی	سطح معنی داری
زبان متقاضی	۱۵.۴۰	۲.۵۳	۰.۹۲۰	۷۸	۰.۳۶۰
زبان غیر متقاضی	۱۴.۸۸	۲.۵۶	۰.۹۲۰	۷۷.۹۹	۰.۳۶۰

جدول شماره (۲) میانگین و انحراف استاندارد مردان متقاضی و غیر متقاضی طلاق در مقیاس شیوه های حل مسئله

گروهها	میانگین	انحراف استاندارد	نمره ^۴	درجات آزادی	سطح معنی داری
مردان متقاضی	۱۴.۶۲	۳.۲۲	-۰.۶۴۱	۷۸	۰.۵۲۴
مردان غیر متقاضی	۱۵.۰۲	۲.۲۲	-۰.۶۴۱	۷۰.۳۲۷	۰.۵۲۴

جدول شماره (۵) میانگین و انحراف استاندارد مردان متقاضی و غیر متقاضی حلاق در زیر مقیسه‌های مقیاس شیوه‌های حل مسئله

سطح معنی داری	درجات آزادی	نمره ^۱	انحراف استاندارد	میانگین	عوامل	گروه‌ها
۰.۰۰۰	۷۸	۵۹۶۲	۱۰.۸	۱۶۰	بی‌پاروی	زمان متقاضی حلاق
۰.۰۰۰	۶۵.۲۰۲	۵۹۶۱	۰.۶۷	۰.۴۰	بی‌پاروی	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۰۱۶	۷۸	-۲۴۵۸	۱.۰۲	۱۶۷	کنترل حل مسئله	زمان متقاضی حلاق
۰.۰۱۶	۷۶.۳۷۷	-۲۴۵۸	۰.۸۸	۲۲۰	کنترل حل مسئله	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۰۷۰	۷۸	-۱۸۳۷	۱.۱۸	۳۲۰	خلاقیت	زمان متقاضی حلاق
۰.۰۷۱	۶۳.۸۷۴	-۱۸۳۷	۰.۷۰	۳۶۰	خلاقیت	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۰۰۰	۷۸	-۴۳۸۱	۱.۳۷	۱۹۰	اعتماد در حل مسئله	زمان متقاضی حلاق
۰.۰۰۰	۷۴.۸۰۱	-۴۳۸۱	۱.۱۱	۳۱۲	اعتماد در حل مسئله	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۰۰۶	۷۸	۲۸۱۹	۱.۰۹	۲۸۵	اجتناب	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۰۰۶	۷۷.۹۶۶	۲۸۱۹	۱.۸۲	۲۱۵	اجتناب	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۴۶۶	۷۸	-۰.۷۳۲	۱.۰۳	۳۴۰	تغریب	زمان متقاضی حلاق
۰.۴۶۶	۷۲.۶۹۲	-۰.۷۳۲	۰.۷۸	۳۵۵	تغریب	زمان غیر متقاضی حلاق

جدول شماره (۶) میانگین و انحراف استاندارد زنان متقاضی و غیر متقاضی حلاق در زیر مقیاس‌های مقیاس شیوه‌های حل مسئله

سطح معنی داری	درجات آزادی	نمره ^۱	انحراف استاندارد	میانگین	عوامل	گروه‌ها
۰.۰۰۰	۷۸	۵۶۰۸	۱.۱۳	۱۸۰	بی‌پاروی	زمان متقاضی حلاق
۰.۰۰۰	۶۷.۵۱۰	۵۶۰۸	۰.۷۴	۰.۵۵	بی‌پاروی	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۹۱۷	۷۸	-۰.۱۰۵	۱.۰۲	۲۲۳	کنترل حل مسئله	زمان متقاضی حلاق
۰.۹۱۷	۷۷.۵۷۸	-۰.۱۰۵	۱.۱۰	۲۲۵	کنترل حل مسئله	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۳۰۰	۷۸	-۱.۰۴	۱.۱۹	۳۱۷	خلاقیت	زمان متقاضی حلاق
۰.۳۰۰	۷۳.۵۶۰	-۱.۰۴	۰.۹۳	۳۴۲	خلاقیت	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۴۰۸	۷۸	-۰.۸۳۲	۱.۴۱	۳۱۰	اعتماد در حل مسئله	زمان متقاضی حلاق
۰.۴۰۸	۷۷.۱۸۰	-۰.۸۳۲	۱.۳۷	۲۳۵	اعتماد در حل مسئله	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۷۸۸	۷۸	۰.۲۸۳	۱.۲۸	۲۷۰	اجتناب	زمان متقاضی حلاق
۰.۷۸۸	۷۵.۷۲۶	۰.۲۸۳	۱.۰۷	۲۶۲	اجتناب	زمان غیر متقاضی حلاق
۰.۰۵۲	۷۸	-۱.۹۷۱	۰.۷۴۴	۳۴۰	تغریب	زمان متقاضی حلاق
۰.۰۵۳	۶۱.۹۹۹	-۱.۹۷۱	۰.۴۷۴	۳۶۷	تغریب	زمان غیر متقاضی حلاق

جدول شماره (۶) میانگین و انحراف استاندارد زبان و مردان غیر متقاضی طلاق

در زیر مقیاسهای شیوه های حل مسأله

گروهها	عوامل	میانگین	انحراف استاندارد	نمره ۱	درجات آزادی	سطح معنی داری
زنان غیر متقاضی	بی باوری	۰.۵۵	۰.۷۴	۰.۹۴۳	۷۸	۰.۳۴۹
مردان غیر متقاضی	بی باوری	۰.۴۰	۰.۶۷	۰.۹۴۳	۷۷.۰۸	۰.۳۴۹
زنان غیر متقاضی	کنترل حل مسئله	۲.۳۵	۱.۱۰	۰.۲۲۴	۷۸	۰.۸۲۴
مردان غیر متقاضی	کنترل حل مسئله	۲.۲۰	۰.۸۸	۰.۲۲۴	۷۶.۴۱۴	۰.۸۲۴
زنان غیر متقاضی	خلاقیت	۳.۴۲	۰.۹۳	-۰.۹۴۶	۷۸	۰.۳۶۷
مردان غیر متقاضی	خلاقیت	۳.۶۰	۰.۷۰	-۰.۹۴۶	۷۲.۸۶۱	۰.۳۶۷
زنان غیر متقاضی	اعتماد در حل مسئله	۲.۳۵	۱.۲۷	-۲.۸۹۹	۷۸	۰.۰۰۵
مردان غیر متقاضی	اعتماد در حل مسئله	۳.۱۲	۱.۱۱	-۲.۸۹۹	۷۶.۶۶۲	۰.۰۰۵
زنان غیر متقاضی	اجتناب	۲.۶۲	۱.۰۷	۱.۹۳۰	۷۸	۰.۰۵۷
مردان غیر متقاضی	اجتناب	۲.۱۵	۱.۱۲	۱.۹۳۰	۷۷.۷۸۹	۰.۰۵۷
زنان غیر متقاضی	تخریب	۳.۶۷	۰.۴۷	۰.۸۶۴	۷۸	۰.۳۹۰
مردان غیر متقاضی	تخریب	۳.۵۵	۰.۷۸	۰.۸۶۴	۶۴.۳۳۶	۰.۳۹۱

با توجه به جدول ۴-۶، می توان به روشنی دریافت که شیوه های حل

مسأله در زبان و مردان متقاضی و غیر متقاضی طلاق با یکدیگر متفاوت است.

در عامل بی باوری، زنان متقاضی طلاق و در عامل تخریب، زنان غیر متقاضی داری میانگین بالاتری هستند و به ترتیب در سطح ۰/۹۹۹ و ۰/۰۵۳ در عوامل فوق به یکدیگر تفاوت نشان می دهند.

مهمترین مردان متقاضی و غیر متقاضی در عوامل بی باوری، کنترل حل مسئله

با اعتماد در حل مسئله و اجتناب با یکدیگر تفاوت دارند. دو گروه در عوامل فوق به ترتیب ۰/۱۶/۹۹۹، ۰/۰۱۶/۹۹۹/۰ و ۰/۰۶/۰۰۰۶ با یکدیگر تفاوت دارند.

در عوامل اعتماد در حل مسئله و اجتناب میان مردان و زنان تفاوت مشاهده می گردد و به این صورت که در عوامل فوق دو گروه در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۵۷ با یکدیگر تفاوت نشان می دهند.

موازات کاهش حمایت اجتماعی افزایش می‌یابد. به این معنی که حمایت اجتماعی به عنوان سری در مقابل آشفتگی‌های زندگی در دنیای پیچیده عمل می‌کند. (ساراسون و ساراسون، ۱۹۸۷).

کاسل و همکارانش (۱۹۷۶) معتقدند که حمایت‌های اجتماعی در حکم سری هستند که از اشخاص در برابر استرس حراست می‌کنند. این یافته پژوهشی بیانگر اهمیت حمایت اجتماعی در فرایند مقابله سازگاران با تغییرات زندگی و محرک‌های تنش‌زا است. برادرات اجتماعی شرایطی را فراهم می‌سازد که بتوانیم در برابر سختی‌های زندگی بایستیم. از سوی دیگر احساس تعلق داشتن ناشی از تناسبات اجتماعی ضمن کمک به سلامت انسان، برای اشخاصی که در معرض محرک‌های تنش‌زا قرار می‌گیرند همانند عامل ترمیمی عمل می‌کنند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر آن است که مردان غیرمقتاضی در مقایسه با مردان مقتاضی طلاق، کنترل بیشتری بر موقعیت‌های مسأله‌زا دارند. میانگین نمره مردان مقتاضی طلاق ۱/۶۷ و میانگین نمره مردان غیرمقتاضی ۲/۲۰ به دست آمد. زنان مقتاضی و غیرمقتاضی طلاق در این عامل تفاوتی نشان ندادند. به این صورت که میانگین زنان مقتاضی ۲/۲۲ و زنان غیرمقتاضی ۲/۵۲ گزارش شد.

احساس کنترل به عنوان یک متغیر مداخله‌گر در رابطه بین رفتار مسئله‌گشایی در زندگی زنانگی، نقش مهمی دارد. درونی (۱۹۸۳)، معتقد است که سطوح کنترل اداره شده، به طور متفاوت رضایت مندی زنانشویی و استحکام رفتار مسئله‌گشایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سطوح کنترل اداره شده به طور مستقیم انواع رفتارهایی را که همسران در آن سهم می‌شوند که تعارض را که در زندگی زنانشویی قدر بر اثر یافته است، حل کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری :

هدف از پژوهش اخیر مقایسه شیوه‌های حل مسأله زنان و مردان مقتاضی و غیرمقتاضی طلاق بوده است. با توجه به نتایج پژوهش، بین زنان و مردان مقتاضی و غیرمقتاضی طلاق تفاوتی در کل مقیاس شیوه‌های حل مسأله به چشم نمی‌خورد اما گروه‌ها در زیر مقیاس‌های مقیاس شیوه‌های حل مسأله در برخی عوامل با یکدیگر تفاوت دارند. میانگین گروه‌ها به ترتیب ۱/۵۴، ۱/۶۲، ۱/۴۸، ۱/۲۰ می‌باشد.

اگر چه نتایج این پژوهش نشان داده است که تفاوتی در کل مقیاس شیوه‌های حل مسأله در زنان و مردان مقتاضی و غیرمقتاضی طلاق در مجموع به چشم نمی‌خورد اما این یافته مغایر با پژوهش‌های دیگر است. برای مثال، ویست و همکاران ۱۹۷۵ به نقل از برشتاین و برشتاین، ترجمه سهرابی و بیرشکی، ۱۳۷۷ بر اهمیت آموزش همسران در یادگیری مهارت‌های کارآمد مسأله‌گشایی تأکید کرده‌اند. این پژوهشگران دریافتند همسران پریشان به گونه‌ای چشمگیر رفتارهای مسأله‌گشایی منفی بیشتر و مثبت کمتری را در مقایسه با همسران غیر پریشان بروز می‌دهند. علاوه بر این به نظر می‌رسد زوجه‌های خادکام در یافتن راه‌های کاهش تنش ابتکار و خلاقیت بیشتری دارند. که این مسأله منجر به توانایی بالقوه بیشتری در مقابله با استرس گفته و به سازگاری بهتر و مشکلات روانی - اجتماعی کمتر در برخورد با استرس‌های بررگر می‌گردد.

همچنین این پژوهش نشان داد که زنان و مردان مقتاضی طلاق در موقعیت‌های مسأله‌زا احساس بی‌پاوری می‌کنند. در این عامل بین زنان و مردان غیرمقتاضی تفاوتی مشاهده نگردید. میانگین گروه‌ها به ترتیب ۱/۸، ۱/۶، ۱/۵۵، ۰/۴ است. نتایج این تفاوت به واسطه نقش حمایت اجتماعی در فرایند مقابله با بحران است. حمایت اجتماعی مقابله با بحران و سازگاری با تغییر را تسهیل می‌کند. شواهد مبنی بر اینکه طرق غیراطلاقی تفکر و رفتار بطور نامتاسی در میان افراد را حمایت اجتماعی کم‌روزی می‌دهد در حال افزایش‌اند. آسیب‌پذیری جسمی و روان‌شناختی به

تلاش کنند. دلیل دیگر می تواند آن باشد که درونی ها گرایش دارند در باره هر موقعیتی که در آن قرار می گیرند اطلاعات بیشتری گردد آورند و از آن اطلاعات بهتر استفاده کنند.

با توجه به نتایج پژوهش بین زنان و مردان متقاضی و غیر متقاضی طلاق، در عامل خلافت تفاوت معنی دار به چشم نمی خورد. میانگین نمره گروها به ترتیب زنان متقاضی طلاق (۳/۱۷) مردان متقاضی طلاق (۳/۲۰)، زنان غیر متقاضی (۳/۴۱) و مردان غیر متقاضی (۳/۶۰) به دست آمد. این یافته با پژوهشهای دیگر ناهمخوان است به عنوان نمره پژوهشها نشان داده است که زوجهای شاد کم در یافتن راههای کاهش تنش و حل مشکلات، ابتکار و خلافت بیشتری دارند. در همین زمینه پرسن (۱۹۷۹) دریافت که اگر یکی از طرفین به یک عمل آشنی جویانه کوچک (مثلاً نقل قسمتی از مشکل) دست بزند، بحث و مشاجره ای که به بن بست رسیده است غالباً به سوی یک مسأله گشایی سازنده رهنمون می گردد.

تنش و جایگاه این عامل در کارآمدی مسأله گشایی به واسطه ارتباط مسأله گشایی با خصوصیات فردی از قبیل هوش و خلافت است. مسأله گشایی با خصوصیات فردی از قبیل هوش و خلافت همبسته است اگر عوامل دیگر ثابت باشند. جانزاده هاین که اعضای آنها هوش و خلافت بیشتری دارند، بهتر مسائل را حل خواهند کرد تا آنهایی که این خصیصه را کمتر دارند. (اسنیر تیگ ۱۹۹۴، به نقل از ویو چیچ ۱۹۹۹).

بر اساس یافته های پژوهش همچنین مشخص شد مردان غیر متقاضی در عامل اعتماد در حل مسأله دارای میانگین بالاتری (۳/۱۲) نسبت به مردان متقاضی طلاق (۱/۹۰) می باشند. همچنین مردان غیر متقاضی دارای میانگین بالاتری (۳/۱۲) نسبت به زنان غیر متقاضی (۲/۳۵) می باشند. در این عامل زنان متقاضی و غیر متقاضی با یکدیگر تفاوتی نشان ندادند. میانگین نمره زنان متقاضی (۳/۱۰) و زنان غیر متقاضی (۲/۳۵) بدست آمد.

افراد به سطوح بالای کنترل ادراک شده به طور نسبی نسبت به افراد با سطوح کم ادراک کنترل، بیشتر احتمال دارد که رفتار مسئله گشایی که جرات مندانه و مستقیم است استفاده کنند.

افراد با سطوح پایین ادراک کنترل، تمایل دارند که در رفتار مسئله گشایی که بطور نسبی بیسی بر خاشگرایی، غیر مستقیم و غیر فعال است شرکت جویند. در این زمینه همچنین، اشخاص متأملی که باور داشتند که تلاشهای مسئله گشایی آنها در خلق یک پیامد دلخواه مؤثر بود، احتمال بیشتری داشت که زندگی زناشویی خود رضایت داشته باشند. از دیگر سو، اشخاصی که باور داشتند که تلاشهای مسئله گشایی آنها در خلق کردن پیامد مورد انتظار تا کارآمد بود، احتمال کمتری داشت که از زندگی زناشویی خود راضی باشند.

نتایج این پژوهش همسو با نتایج تروو (۱۹۸۵) است. وی خاطر نشان ساخت که اشخاصی که مهارتهای حل مسأله شان را سوزمند ارزیابی کردند، در مقایسه با گروهی که مهارتهای حل مسأله شان را غیر سوزمند ارزیابی کردند، جهت بانی کنترل دورزی بیشتر گزارش نمودند. از سوی دیگر به نظر می رسد اشخاصی که تحت تأثیر منبع درونی کنترل هستند روی هم رفته سالمتر و متمرکزتر هستند. این اشخاص در جستجوی اطلاعات هستند، هدفمندی می باشند و بهتر می توانند با مسائل برخورد کنند. اما اشخاصی که روی منابع بیرون از خود حساب می کنند، نشانه هایی از بیحالی، رخصت و ناسازگاری را به نمایش می گذارند.

یکی از دلایل اینکه بیرونی بودن همراه با سازگاری ضعیف است می تواند این باشد که افراد هنگامی که معتقدند سربزشتان تحت کنترل شخصی است تمایل دارند به نحو مؤثری کار کنند. این به نوبه خود منجر به سازگاری بهتر درونی ها می شود. یک دلیل توفیق بیشتر افراد درونی ممکن است آن باشد که در مواجهه با شکست، مقاومت و پافشاری به خرج می دهند و بهتر می توانند برای اهداف بلند مدت

کنند. میانگین نمره مردان متقاضی طلاق (۲/۸۵) و میانگین نمره مردان غیر متقاضی (۲/۱۵) گزارش شد. همچنین زنان غیر متقاضی در مقایسه با مردان تمایل بیشتری به رد شدن از مشکلات به جای مقابله رو در رو با آنها دارند. میانگین نمره دو گروه به ترتیب (۲/۶۲) و (۲/۱۵) بدست آمد.

بین زنان متقاضی و غیر متقاضی در این عامل تفاوت معنی دار مشاهده نشد. زنان متقاضی دارای میانگین (۲/۷۰) و زنان غیر متقاضی دارای میانگین (۲/۶۲) می باشند.

این یافته بیانگر آن است که مردان متقاضی طلاق نسبت به مردان غیر متقاضی و زنان غیر متقاضی نسبت به مردان، از مهارت‌های مقابله ای کمتری نظیر تفکر سازنده، رو به شدن با مشکلات به معنای بروز، اعطاف، پیش‌گیری در رفتار و به خود پس‌خورانگی دادن درباره شیوه‌های کار آمد و نا کار آمد هر موقعیت مفروض برخوردارند. از دیدگاه این گروه، اجتناب در واقع راهی برای به حداقل رساندن مواجهه با محرک‌های تنش زا است.

همچنین این پژوهش نشان داد زنان متقاضی طلاق در مقایسه با زنان غیر متقاضی، نگرش مثبت کمتری نسبت به مشکلات و تمایلی کمتر به مقابله رو در رو در با آنها دارند. مردان متقاضی و غیر متقاضی در این عامل با یکدیگر تفاوتی نشان ندادند. در واقع این یافته بیانگر آن است که زنان متقاضی طلاق نگرش مثبت کمتری نسبت به این امر دارند که موقعیت‌های مشکل بخشی از زندگی طبیعی افراد است و لذا می توان از عهده آن برآمد. از این رو در برخورد با موقعیت‌های تنش زا نگرش مثبت کمتری نسبت به مقابله رو در رو با آنها دارند.

پیشنهادها و راهکارهای زیر جهت تقویت کارکرد نظام خانوادہ در فرایند توسعه‌ی فرهنگی، ارائه می گردد:

توجه نوبت کنترل محیط تا حد زیادی، موفقیت او را در کوشش برای مواجهه با مشکلات به وجود آمده افزایش می دهد. (دزوریلا و شلدی، ۱۹۹۲).

از سوی دیگر اشخاصی که به توانایی خود برای کنار آمدن با موقعیت‌های تنش زا اطمینان دارند بطور سازگارانہ با موقعیت‌های تنش زا مقابله می کنند که این خود منجر به کاهش فشار روانی از طریق تلاشهای خود فرد می شوند.

تلاشهای موجب افزایش اعتماد و مهارت فرد می شوند و سلامت را تقویت می کنند و مقاومت در برابر فشار روانی آینده را بیشتر می کنند. در تبیین این یافته پژوهشی، توجه به درماتندگی آموخته شده ضرورت می یابد. این حالت زمانی بروز می کند که شخص معتقد باشد شکست‌هایش به خاطر ناتوانی کلی و دائمی در کنار آمدن با رویدادهاست. (آبرامسون، سلینگمن و تیزدل، ۱۹۷۸، به نقل از سایپینگتون، ۱۹۸۹).

این اشخاص تصور می کنند که مسائلمان در حدی است که خود آنها برای اصلاح آن کاری نمی توانند صورت دهند و در نتیجه تسلیم می شوند. این نگرش سبب می شود شخصی در شرایط استرس آمیز به احساس عجز و ناامیدی برسد. برای طلبه هر مشکلی که پیش آمده اقدام موثری صورت ندهد. کاهش اعتماد به توانمندیها و قابلیت ما در زنان نیز احتمالاً می تواند ناشی از درماتندگی آموخته شده باشد. زنان احتمالاً درماتندگی آموخته شده بیشتری را تجربه می کنند. افراد زمانی که باور داشته باشند میان پاسخ خود و پاداش و تنبیهی که دریافت می کنند رابطه ای نیست، احساس درماتندگی می کنند. (توانی، بزاده، ۱۳۷۹).

رادلف و دیگران (۱۹۷۵)، به نقل از توانی، بزاده (۱۳۷۹)، معتقدند که زنان پیش از مردان از دریافت رابطه میان اعمالشان (آینحه انجام می دهند) و نتیجه آن (آینحه) برایشان اتفاق می افتد، ناتوانند.

دیگر یافته این پژوهش بیانگر آن است که مردان متقاضی طلاق در مقایسه با مردان غیر متقاضی بیشتر تمایل دارند با یک روش مقابله سازگارانہ از مشکلات اجتناب

منابع:

۱. آقا محمدیان، حمیدرضا، روشی، مرتضی، کفالی زاده سارا، (۱۳۸۵)، نهاد خانواده در جامعه‌ی دینی، دو ماهنامه‌ی علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.
۲. احمدی، خدابخش، فقی، آنتیانی، علی، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه‌ی سازگاری زناشویی با آسیب پذیری فرهنگی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران.
۳. اسماعیلی، رضا، (۱۳۸۵)، فرهنگ، مولفه‌ها و شاخص سازی فرهنگی، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی.
۴. اصغری، آرزو، رفیعی نیاد، پروین، (۱۳۸۵)، عوامل پیش بینی کننده‌ی ازواج ناموفق از دیدگاه دانشجوینان متأهل، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران.
۵. بابا پور، خیرالدین، جلیل، رسول زاده، طباطبایی، سید کاظم، آزه ای، جواد، فقی آنتیانی علی.
۶. (۱۳۸۲)، بررسی رابطه بین شیوه‌های حل مسئله و سلاطت روان شناسی دانشجوینان، مجله روان شناسی، ۷: ۳-۱۶.
۷. (۱۳۸۳)، برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۸. پرشتاین، آج، فلیپ، پرشتاین، تی، مازسی، (۱۳۷۷)، ترجمه سهرابی، حمید رضا، بیرشکی، بهروز، شناخت و درمان اختلالات زناشویی، انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
۹. پستان، حسین، (۱۳۳۳)، اسلام و جامعه شناسی خانواده، پژوهشگاه‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۰: بهاری، فرهاد، صابری، سید مهدی، ۱۳۸۴، مقایسه عملکرد خانواده‌ی زوجهای در حال طلاق، ارجایی، به سازمان پزشکی قانونی و زوجهای غیر مطلقه، پزشکی قانونی، (۳۴) ۷۵-۷۹.
۱۱. تیرایی، منصور، (۱۳۷۸)، خانواده و آسیب شناسی آن، انتشارات آبدین.

۱. بازگشت به هورت فرهنگی ایرانی اسلامی

۲. تقسیم امنیت خانواده از هر حیث
۳. آگاه سازی مردم پیرامون قداست و اهمیت خانواده در جامعه‌ی دینی، گسترش آموزه‌های اسلامی در سیاست‌ها و برنامه ریزیهای کلان نظام اسلامی و سیاست گذاری و تعیین استراتژی فرهنگی، جهت استحکام خانواده.
۴. تلاش مضاعف در جهت شناسایی علل نابسامانیها و عوامل تزلزل بیان خانواده و رفع آنها، با توجه به ویژگیهای فرهنگی، بومی و منطقه ای.
۵. توجه جدی به حقوق و مسئولیت های زوجین
۶. تشویق به تشکیل خانواده و حمایت از آن
۷. بازنگری در قوانین مربوط به انحلال زنده گی زناشویی به منظور کاهش آسیب های اجتماعی
۸. خانواده مرکز آموزش های دینی لازم در زمینه‌ی نحوه‌ی روابط و معاشرت های سالم اجتماعی قرار گرفته و نقش والدین در تربیت و سازندگی فرزندان مورد توجه قرار گیرد.

۲۷. کهر ازلی، مرصاد، آزاد فلاح، پرویز، الهیاری، عباسعلی ۱۳۸۲، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله در کاهش اعتیاد نوجوانان، مجله روانشناسی ۷، ۰ (۲۱ پیاپی ۱۳۷-۱۳۶).

۲۸. محبی، مینوچهر، (۱۳۷۹)، مقدمات جامعه‌شناسی، انتشارات محبی.
۲۹. محمدی، فریاده، (۱۳۷۷)، بررسی شیوه‌های حل مسئله در افراد نرسیده و مقایسه آن با افراد عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۰. محمدی، نورالدین (۱۳۸۳)، رابطه سبک‌های حل مسئله با سلامت عمومی، مجله روان‌شناسی ۴ (۲۱ پیاپی ۳۳۳-۳۳۶).

۳۱. نظامی، (ع)، (فتنگانه، ۱۳۸۰)، بررسی شیوه‌های حل مسئله و سازگاری زناشویی در زوج‌های بازر و ناباور نثر به باوردی و ناباور نثر، پژوهش‌های روان‌شناختی، این سبلا.

۳۲. نظامی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، جوانان و انتخاب همسر، نامه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی علی.

۳۳. ندیمی، حسن، (۱۳۸۵)، بررسی موضوعات مهم فرهنگی موبایل بر توسعه بیناگرایی به کمک نوآوری نظام پات (تئوری حل مسائل ایضایی)، از دیدگاه یکی شهر وید.

۳۴. نگاه‌داری، پاکیا، (۱۳۸۵)، اجزای فرهنگی توسعه از نگاه دانشمندان اسلامی، خلاصه‌ای مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی.

۳۵. نوابی، زاده، شکوه، (۱۳۷۹)، روانشناسی زن، انتشارات جامعه ایرانیان، انجمن اولیاء و مربیان.
۳۶. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی.
۳۷. نیک‌بازادی، فرزانه، منقعی، مهرنوش، (۱۳۸۵)، بررسی عمل از رویه‌های سایه‌موفق زنان مراجعه‌کننده به مرکز و آموزش بهداشت روان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، چگونه مقالات دومین کارگاه سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران.

۱۲. یوب و آ، آل، اس، ام، کرای مه، (۱۳۷۳)، ترجمه خطی پریسا، نوابی احسانیه خرد در کوزه‌کان و نوزادگان انتشارات رشد.

۱۳. حسینی، سید مهدی، (۱۳۸۱)، خانواده در سالی و مشاوره ازدواج و زناشویی، انتشارات اساطیر.
۱۴. حاجی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، روش تحقیق باروری که به پایان نامه نرسی، انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور.

۱۵. دلاور، علی، (۱۳۸۱)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، انتشارات نشر ویرایش.
۱۶. دلاور، علی، و رشید، خسرو (۱۳۸۳)، مباحثات روان‌شناختی، (۱)، ۱۹-۳۳.

۱۷. رشید، پور، مجید، (۱۳۷۶)، مراحل ازدواج از اسلام، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان.
۱۸. رضی، ابوالحسن محمد بن، حسن الشریف، (۱۳۷۶)، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، نشر موسسه‌ی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

۱۹. سرمد، زهرا، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، (۱۳۷۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه.

۲۰. عسکری، حسن، (۱۳۸۰)، نقش بهداشت روان در ازدواج، تهران، نشر گنگو.
۲۱. فرد روه، محسن، حبیبی، سهراب، بهمنی، رضا، (۱۳۸۰)، جامعه و فرهنگ، مجموعه مقالات، جلد چهارم، انتشارات آرون.

۲۲. قائمی، علی، (۱۳۸۰)، جامعه و فرهنگ، (مجموعه مقالات)، جلد چهارم، انتشارات آرون.
۲۳. علی زاده، کلان، فرض الله، (۱۳۷۶)، ازدواج پیوندی مقدس، انتشارات بهادری.

۲۴. کاظمی حقیقی، ناصرالدین، (۱۳۷۷)، ازدواج پایدار و شرایط آن، تهران، سایه نما.
۲۵. کلارک و وارن، تیل، (۱۳۷۷)، در جستجوی عشق زندگی، ترجمه‌ی مهدی قریچه دانه‌ی تهران، اوحدی.

۲۶. کمالی دژدولبی، علی، (۱۳۶۹)، قرآن و مقام زن، انتشارات هاد.

- Burly, I. (۱۹۹۵), Family Variables of the relationship between work , family conflict & marital adjustment among dual ,men .
- Tzeng, j.m., & Mare, R.D., (۱۹۹۵).
- Labor market socioeconomic effects on marital stability, Social Science, research, Dec, Vol (۵۶), (۶), ۳۱۹-۳۵۱.

- Blankstein, R.K., Fren, H. & . and Watson, S. (1992) Coping and academic problem : Solving in term solving. *Journal of clinical psychology*, 48, 37-46.
- Coakley, T., and Long, C. (1999) Problem Solving style, stress and Psychological distress : development of a multidimensional measure. *British Journal of clinical psychology*, 35, 251-275.
- Cooper, D., David, K., and Adams, R. (1999). *Complex Resilience in Economic Distress*. *Journal of personality and social psychology*, vol 76, (sup no. 3), 4-11.
- DeBruin, J. (1983). Lesson of error and mental illumination. *Intl. M. Left (cont. GED)* : research with the lesson of error monent. Vol. 2, 135 - 183. New-York academic press.
- Davanille, L., and abney, F. (1992). The relation between social problem solving ability and subjective level of academic competence in college students. *Journal of personality and social psychology*, 62, 841-849.
- Gars, M., Richard, J., Penneaker, H., Harshbarger, C., and D'Arzo (2000). The process of social problem : Solving enhance. An opportunity for Cambridge center for behavioral studies 31 - 4 - 14
- retrieved from the world wide web <http://www.earthlink.net/~ccs/edu/pub/behavior/psychopaper.htm>
- Gell, D., and Myerson, W. (1997). Problem Solving recuing in the primary care. In D.A.L. Glaser and C.G. Fairburn (Eds).
- Science and practice of cognitive Behavior therapy, 415-433). Oxford : Oxford university press.
- Hagan, P., and Fine, A., and Terrell, R. & Sward, H., and Lebeck, T. (1999). Social problem solving detection, dependency and depressive symptoms. *Cognitive therapy and Research*, 19, 847-858.
- Howard, J. (2002) Problem Solving Strategy. In Ashlock, M., *Real life*. Prentice Hall, eds. Single Edition in Practice. Mental health.
- Johnson, T. & Adams, V. (National Center for Education in Mental and Child health.
- Kocovski, A., Singh, L., and Kocovski, S., Lang, L. S., and Klein, C. S. (1992). Problem Solving and mental illness among prison inmates: Another look at stress versus trait. *Journal of Personality and social psychology*, 60, 91 - 93.
- Kent, M., & D'Zurilla, T. J., and Klayton, O'Hanry, A. (1997). Social problem solving in a medication non-compliant population: depression and anxiety in middle-aged and elderly community residents. *Psychiatric Services*, 48, 73 - 96.
- Neri, A.M. (1985). Differences in Psychobiological distress between distressed and less distressed problem solvers. *Journal of consulting psychology*, 32 (1) : 135-138.
- Ozernik, E., Vachon, S., Paul, C., Berman, S. (2001) Family Problem Solving Through Problem Solving. *Child Care for Foster Parents* 25:17
- Peterson, D. E. (1979). Assessing interpersonal assessment. *J. - 221-236.*
- Sappington Anderson, A. (1999) Adjustment : Theory, Research and personal applications.
- Soren, H. Spence, J., and Bird, A. & Canina, L. Dutton.
- Preventing Adolescent Depression as a Function of the problem Solving for life program
- Journal of Consulting and Clinical Psychology* 2003, Vol. 71, no 1, 3-13.
- Veitch, S., and Smith, (1997). Problem Solving in families. *Research and practice* : 1 hour and 15 min. Sage pub, c.
- Watson, L. d. and Sharp, G. (1997) self-directed behavior self modification for personal adjustment. New York, ITP.